بازار فیلم و CD داغ است

روزنامه اعتماد

مسعود باستانی

قرار بود که به بهانه فصل تابستان گزارشی تهیه کنم تا دوباره به همان نتیجه تکراری گذشته برسم که در فصل تابستان نیز مطابق سایر فصول سال بازار کتاب تغییرات محسوسی نخواهد داشت و با وجود اینکه در این فصل بسیاری از دانشجویان و دانش‌آموزان و علاقه‌مندان به کتاب اوقات فراغت بسیاری را برای مطالعه دارند. کتابخوانی رشد چشمگیری نداشته است.

شاید همین نتیجه تکراری و یاس درونی بود که کارهای مربوط به تهیه این گزارش را دایم پشت گوش می‌انداختم تا اینکه مهلت سر رسید و من باید چند روز دیگر این گزارش را تحویل می‌دادم. با وجود تمام مشکلاتی که داشتم مشغول پرسه‌زدن و پرس‌وجو در خیابان انقلاب و حوالی دانشگاه تهران شدم. اغلب کتابفروشی‌ها خلوت و بسیاری از فروشندگان حتی انگیزه پاسخ گفتن به سئوالات مرا نیز نداشتند. چرا که برخی از آنها فکر می‌کردند حتی تهیه این گزارش و چنین گزارش‌هایی نیز گره‌ای از انبوه مشکلات ایشان باز نخواهد کرد.

از در فروشگاه انتشارات خوارزمی که وارد می‌شوم تقریبا به غیر از خودم و چند فروشنده دیگر هیچ کسی را در فروشگاه نمی‌بینم. کسی پشت میز صندوق‌دار نیست و فروشنده‌ها نیز که از گرما کلافه شده‌اند خود را با تورق کتابها سرگرم کرده‌اند. با چشمانی جستجوگر به دنبال کسی می‌گردم. مردی که خود را مدیر فروشگاه معرفی می‌کند. با ناامیدی می‌گوید: چه چیز را می‌خواهی بنویسی؟ همین را بنویس که هیچ کس در فروشگاه نیست و صندوق‌دار از بیکاری محل کار خود را ترک کرده و به گوشه‌ای پناه برده.

او در ادامه می‌گوید: فعلا بازار ماه‌وارها داغ است و دیگر کسی به دنبال خرید کتاب نمی‌آید. شاید کتابفروش‌ها حداقل در ایام تحصیل دانشجویان بتوانند در کنار ارایه کتابهای درسی بعضی از کتابهای خود را نیز بفروشند. ولی اکنون بازار کتاب خلوت خلوت شده است.

به یقین کتاب یکی از کالاهای فرهنگی است که مخاطبان خاص خود را در جامعه دارد. رشد فروش کتاب و افزایش سطح مطالعه در جامعه نیز با میزان فرهیختگی افراد آن جامعه و علاقه‌مندی ایشان به کسب اطلاعات و دانش مورد نیاز خویش از طریق کتابهای موجود در بازار رابطه تنگاتنگی دارد. در این میان دانشجویان، فرهنگیان و کسانی که به نوعی فصل تابستان بخشی از ایام فراغت ایشان در طول مسیر زندگی محسوب می‌شود قشری هستند که بخش اعظمی از مخاطبان ویژه کتاب را تشکیل می‌دهند. بسیاری از دانشجویان در نخستین برخورد علت عدم خرید کتاب‌های مورد نیاز خویش را گرانی قیمت این کالا می‌دانند بطوری که خانم ف. ن دانشجوی رشته تربیت بدنی دانشگاه الزهرا می‌گوید: سعی می‌کنم اغلب کتابهای مورد نیاز خود را از کتابخانه‌ها تهیه کنم. چرا که کتابهای مورد نیاز رشته من که اغلب کتابهای مربوط به علم پزشکی هستند. بسیار گران‌قیمت هستند. اما در برخوردهای بعد دانشجویان فکر می‌کنند که گرفتاریها و مشکلات زندگی ایام فراغتی را برای آنها باقی نگذاشته تا در این اوقات به مطالعه کتابهای مورد علاقه خود بپردازند.

آقای ح. س. دانشجوی رشته گرافیک می‌گوید: فکر می‌کنم که اوقات فراغتی برای مطالعه ندارم. چون من همزمان با تحصیل مجبور هستم که کار کنم و شاید تمام اوقات فراغتم را کار می‌کنم. تابستان و تعطیلات نیز فرصتی است تا آدم کارهای عقب‌افتاده‌اش را انجام دهد. از سوی دیگر من حتی برای تهیه کتابهای درسی خود نیز دچار مشکل هستم چرا که معمولا این کتابها در بازار پیدا نمی‌شوند و یا نسخه‌هایی که در بازار هستند سانسور شده و یا پر از غلط هستند.

دانشجوی دیگری نیز می‌گوید: فکر می‌کنم بهتر از هر کار دیگر این است که آدم بتواند در اوقات فراغت خود مسافرت کند. ضمن اینکه واقعا هزینه خرید کتاب از عهده قشر دانشجو خارج است. ما حتی کتابهای درسی خود را نیز نمی‌خریم و تنها به جزواتی که استادان دانشگاه به ما می‌دهند اکتفا می‌کنیم.

از سوی دیگر بسیاری از جوانان فکر می‌کنند که می‌توانند با پرداخت هزینه‌هایی به مراتب کمتر اوقات فراغت مفرح و شادتری را به وسیله چیزهایی دیگر نظیر استفاده از بازی‌های سرگرم‌کننده و ارتباطات اینترنتی و یا ورزش‌هایی که امروز مورد علاقه بسیاری از آنها قرار گرفته نظیر بیلیارد و... پر کنند. واقعیت این است که کتاب زمانی می‌تواند به جایگاه واقعی خود در جامعه دست یابد که عطش دانستن و از سوی دیگر ارزش و اعتبار واقعی آگاهی، جایگاه واقعی خود را در یک اجتماع کسب کند.

فتحی یکی دیگر از فروشندگان کتاب در خیابان انقلاب می‌گوید: با تعطیل شدن دانشگاه‌ها بازار کتاب کاملا کساد شده است. کتابهای شعر و داستان و ادبیات هیچ فروشی ندارند و تنها بخشی از رمانهای عامه‌پسند به فروش می‌رسد. شاید بتوان گفت بازار کتاب از مهر تا خردادماه که دانشگاه‌ها باز هستند به مراتب بهتر از بقیه ماههای سال است.

افضلی مدیر انتشارات خجسته نیز معتقد است: نه تنها اقبال بلکه به نظر من دو سه سال است که بازار کتاب بسیار راکد شده است. معمولا در تابستان‌های سال‌های گذشته فروش کتابهای تاریخی، ادبی و شعر و رمان بالا می‌رفت و مردم در اوقات فراغت‌شان بخصوص بسیاری از جوانان فرصت داشتند که کتاب بخوانند. اما به علت گرانی و یا عدم تمایل و حتی دلایلی که برای خود من هم معلوم نیست، چند سال است که رکود عجیبی بر بازار کتاب حاکم شده است. به یاد دارم تا زمانی که روزنامه‌های دوم خردادی در طیف وسیع‌تری منتشر می‌شدند و مردم از طریق روزنامه‌ها می‌توانستند از انتشار کتابهای مختلف مطلع شوند، کتاب‌ها فروش خوبی داشتند.

خانم کیان کارمند فروشگاه کتاب‌سرای نیک نیز در این باره گفت: بازار کتاب چند وقتی است که بسیار افتاک است. حتی دانشجویان نیز دیگر کتابهایی غیر از کتاب‌های درسی خود را نمی‌خرند و من فکر می‌کنم علت اصلی آن گران بودن قیمت کتاب باشد. در فروشگاه ما که مورد علاقه بسیاری از جوانان است تقریبا اغلب مشتریان از افزایش نرخ کتاب شکایت دارند. متاسفانه کتاب ماه به ماه با هر چاپ تازه‌ای اختلاف قیمت قابل توجهی پیدا می‌کند. حتی خود من نیز که در این فروشگاه کار می‌کنم، نمی‌توانم همه کتابهای مورد علاقه‌ام را تهیه کنم.

نگاهی بر تحولات....

ادامه از صفحه ۱۲

جریان جنگ سکوت کردند و بیطرف ماندند (که این خود امتیاز مهمی به نفع مهاجمان بود) اما بعد از فروپاشی رژیم صدام، این سکوت به تحرکاتی چند انجامیده که خود را در تظاهرات و اعتراض روزانه و نفرت عمومی از حضور مهاجمان نشان می‌دهد. اگرچه این اعتراض و نفرت عمدتا در اشکال مسالمت‌آمیز خود را نشان می‌دهد. اما حتی به اعتراف خود احزاب عراقی، بخشی از عملیات مسلحانه انجام شده بر ضد نیروی مهاجمان، به نیروهای غیربعثی برمی‌گردد که این خود از اهمیت جدی برخوردار است. زیرا در صورت ادامه وضع موجود، این حالت می‌تواند گسترش یابد و شکل مسالمت‌آمیز در ابعاد وسیع به اشکال خشن فرارود. این که اعتراضات را به شیعیان یا مردم مستقع از حزب بعث (در زمان حکومت‌داری) نسبت دهیم به نظر من چشم‌پوشی بر واقعیات روزانه مردم عراق است. چون اولا اینان نیز خود بخشی از مردمند و دوما این که در گزارشات مصور پخش شده از تلویزیون‌ها، مرتب شاهد نفرتی هستیم که افراد جلو دوربین‌ها نسبت به مهاجمان ارائه می‌دهند.

شورای حکومتی معرف اکثریت نیست

شورای حکومتی معرف اکثریت مردم عراق نیست. این را بعضی از احزاب داخل آن معترفند و خواهان ائتلاف‌های فراگیرتر جهت انتقال قدرتند (مثل حزب کمونیست عراق). این که این شورا اساسی قومی و مذهبی و متنوع دارد، به خودی خود مه معنای جلوه‌ای تام و مطلوب از مردم نیست. اولا بعضی از نیروهای داخل آن فاقد پایگاه مردمی‌اند (مثل احمد چلبی) و بعضی دیگر نیز مثل حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان عراق بعد از بیشتر از ده سال حکومت‌کردن و برگزاری اولین انتخابات فراگیر در سال ۹۱، به علت اتمام دوره انتخابات، رفراندم جدیدی برپا نکرده‌اند و فاقد مشروعیت قانونی هستند و بنابراین معلوم نیست که بعد از بیشتر از ده سال حکومت‌کردن و مصائبی چون جنگ داخلی و عدم سازماندهی زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم، تا چه حد دارای پایگاه مردمی هستند. و آخر این که این شورا انتخابی نیست و انتصابی است و بیشتر حسرتی شتاب‌زده از طرف آمریکا جهت خاموش‌کردن اعتراضات داخلی است.

* * *

اما فراتر از این باید به نوع کارکرد و نگرش این شورا نگریسته شود. در شرایط کنونی که یک نوع نارضایتی و اعتراض عمومی برعلیه مهاجمان، جامعه عراقی را ملتهب کرده است، هم‌سوئی این شورا و همکاری آن با آمریکا و عدم یک موضع و نگرش انتقادی (از زاویه منافع ملی) نسبت به مهاجمان، به شدت به مشروعیت و مقبولیت آنان ضربه می‌زند. و اگر مردم مستقیما به آنان معترض نباشند، لااقل به آنان جهت تحول وضع موجود دل نخواهند بست. و شاید سکوت مرگبارتر از اعتراض باشد زیرا سخن از بازسازی است. این طور به نظر می‌آید که حتی از مراحل ابتدایی نیز شکل‌گیری هر نوع حکومت و استقرار در عراق بستگی به نوعی تقابل با مهاجمانی دارد که بدون توجه به افکار عمومی و سازمان ملل و نتیجه‌گیری صحیح از نفرت مردم از صدام، به زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم، تا چه حد دارای پایگاه مردمی هستند. و آخر این که این شورا انتخابی نیست و انتصابی است و بیشتر حسرتی شتاب‌زده از طرف آمریکا جهت خواهد بود که اساسا به دلایل اقتصادی و ملزومات رشد سرمایه‌داری جهانی چنین جنگی را راه انداختند. اما در شرایط کنونی به علت عدم ثبات و پراکندگی جامعه و نیروهای عراقی و نیز خطر بالقوه بازماندگان بعث، هنوز این تضاد برجسته نشده و صحنه سیاسی عراق را کاملا اشغال نکرده است. اما این تقابلی است که به طور عمده خود را نشان خواهد داد و حوادث و شرایط موجود، تنها پیش‌درآمدهای آن است.

چنین به نظر می‌آید که نیروهای سیاسی عراقی در شرایط فعلی برای استقرار نوعی سیستم که از هرج و مرج داخلی جلوگیری کند، ناچاراتن به همکاری داده‌اند (لااقل بخش عمده آن‌ها). اما به محض استقرار این سیستم وضع کاملا تغییر خواهد کرد و البته شدت این تقابل بستگی به نوع سیاست‌های آمریکا در آینده نیز خواهد داشت. بنابراین واضح است که در پی استقرار وضع، شاهد تغییراتی در سطح نیروها و آرایش آن‌ها خواهیم بود.

بیانیه جبهه ملی ایران بمناسبت پنجاهمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد

۲۸ مرداد، توقف دموکراسی در ایران

اما از میان ناشران، حسن کیابیان، مدیر نشر چشمه که در آغاز اعلام می‌کند که چندی است دیگر تمایلی به گفتگو با مطبوعات ندارد، درباره استقبال مخاطب از کتاب می‌گوید: کیفیت فروش کتاب در تابستان امسال به مراتب بهتر از سال‌های قبل شده است و این مشکل متاسفانه گریبانگیر همه کتابها از جمله تاریخی، ادبی و... شده است. به نظر من در وهله نخست باید علت این پدیده را در کاهش اعتماد مردم به مطالب درون کتاب و دغدغه‌های دیگر ایشان مثل مسائل سیاسی و یا درگیری‌ها و گرفتاری‌های روزمره ایشان دانست. وی در مورد قیمت کتاب و گرانی این کالا افزود: به نظر من کتاب گران نیست، کتاب هم مثل خیلی از کالاهای دیگر در روند رشد تورم افزایش قیمت پیدا می‌کند. شما نمی‌توانید سرعت هر یک از چرخهای یک اتومبیل در حال حرکت را به دلخواه خود تغییر دهید. مشکل کاهش فروش کتاب، قیمت آن نیست، بلکه امروز در شرایطی بسر می‌بریم که مردم احساس می‌کنند نیاز به مطالعه و خواندن کتاب ندارند.

مدیر نشر چشمه درباره نهادها و ارگان‌هایی که می‌توانند در حل این مشکل به ناشران کمک کنند می‌گوید: من فکر می‌کنم مسئولان، دست‌اندرکاران و همکاران ما در این بخش زحمت خود را می‌کشند و لیکن مشکل اساسی این است که تا مردم یک جامعه احساس نیاز به مطالعه نداشته باشند و به حل مسائل اساسی در آینده‌ای نزدیک امیدوار نباشند. از پرداختن به فرهنگ فرهنگی که کتابخوانی نیز بخشی از آن است مایوس می‌شوند. به یقین رشد مطالعه در جامعه به چند فاکتور اساسی از جمله نشاط در جامعه، امیدواری به آینده و بالارفتن وزن مخصوص دانش در افراد یک جامعه بستگی دارد که متاسفانه جامعه امروز ما فاقد هر یک از این پار امترهاست.

اگرچه بررسی علل این پدیده به مشکلات مختلفی نظیر کمبودهای اقتصادی، مشغله‌های اجتماعی و افزایش و تنوع چشمگیر رسانه‌های اطلاع‌رسانی جهت ارایه اطلاعات مورد نیاز اعضای یک جامعه بستگی دارد، ولیکن مطمئنا می‌توان گفت که کاهش سطح مطالعه در جامعه می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به بدنه دانشجویان و نخبگان جامعه وارد آورد. شاید در مهار این بحران بتوان گفت که تقویت کتابخانه‌های عمومی و فراهم‌کردن امکان دسترسی ارزان قیمت افراد به کتابها بتواند باعث کاهش مشکلات اقتصادی بر سر راه تهیه کتب مورد نیاز شهروندان شود. اما در این جا باید پرسید که برآستی چه تعداد از این کتابخانه‌های موجود در سطح کشور که اغلب به وسیله ارگانها یا نهادهای دولتی یا وابسته به دولت راه‌اندازی شده‌اند، توانسته‌اند پاسخی مناسب به مشتاقان مطالعه کتاب، بویژه جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان بدهند؟

باید گفت کاهش سطح مطالعه و رکود بازار فروش کتاب در فصل تابستان امسال که به مراتب بدتر از سالهای گذشته است و جایگزین‌شدن رسانه‌های ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، ماهواره‌ها و اینترنت به جای کتاب خبر از بحرانی عمیق در یک جامعه می‌دهد. چرا که پیامد این بحران قطعا سطحی‌نگری، کاهش سطح آگاهی و کم ارزش یا بی‌ارزش کردن دانش در جامعه جوان ما که شهروندان آینده‌ساز فردای کشور هستند خواهد بود.

«اگر زندگی توام با استقلال و آزادی نباشد، بقدر پشیزی ارزش نخواهد داشت»

تا کنون کدام رئیس دولت یا رئیس جمهوری در ایران، بجز دکتر مصدق که جمله زرین بالا از اوست، اینگونه با پافشاری به آزادی معتقد بوده است؟ حتی رئیس جمهوری کنونی ما هم که سه اعتباری بهترینشان بوده، آزادی را در چارچوب یک قفس مکتبی تعریف می‌کند و می‌گوید که در درون این چارچوب مردم باید آزاد باشند.

ما پس از گذراندن دوره اصلاحات دوم خردادی، بیش از همیشه به بزرگی روح دکتر مصدق و به عظمت این مرد پی می‌بریم. پایداری، خردمندی و از خودگذشتگی این مرد جاویدان، که زندگیش را فدای دموکراسی و آزادی و قانونمندی کرد، در تاریخ معاصر ایران نمونه است. مردی که به آنچه خواست ملت بود عمل می‌کرد و به رای و اعتماد مردم تا پای جان وفادار بود.

او، پس از صدها سال حکومت فردی در ایران، مردم‌سالاری را برای مردم به ارمغان آورد. او پس از دو سده خاری و توهین و تحقیر از سوی بیگانگان، با ملی‌کردن صنعت نفت و بیرون راندن عوامل این تحقیر و خاری، غرور و خودباوری را به ملت ایران بازگرداند. ملت ایران را در جهان سرافراز کرد و عظمت و ژرفای فرهنگ غنی ایران زمین را به جهانیان نشان داد، چراکه همه مبارزه و تلاشهایش برای ملی‌کردن صنعت نفت، نه با زورگویی و جنگ و ترور و دروغ‌پراکنی، بلکه از راه‌های کاملا قانونی و مدنی، با رای مردم، با احترام به قانون و دادگاههای بین‌المللی، با مراجعه به افکار عمومی جهان و با مذاکره، و با تضمین ادای خسارت و با دعوت به ادامه همکاری در شرایط برابر انجام پذیرفت. مصدق نشان داد که یک حکومت خردمند و درستکار ومیهن‌پرست می‌تواند سرسخت‌ترین و مقتدرترین دشمنان خارجی را شکست دهد و در عین حال مورد احترام همه جهانیان و محبوب ملتهای ستمدیده هم باشد.

کودتای ۲۸ مرداد که بازتاب شکست یک ابرقدرت جهانی بدست یک کشور فقیر و ناتوان، ولی دارای یک مدیریت توانا و خردمند، بود بدون همکاری عوامل خودفروش بومی و دشمنی رهبرانی که خواستهای شخصی خود را مقدم بر منافع ملت و کشور می‌پنداشتند، امکان‌پذیر نمی‌بود. مصدق در برابر اعمال نفوذ و زیاده‌خواهی‌ها برخی از این چهره‌ها به صراحت گفته بود:

«مردم به آزادی رای داده‌اند، نه به حفظ و حراست از قوانینی که حقوق مسلم مردم را تامین نمی‌کند».

پنجاه سال مبارزه و تلاش ملت ایران برای بازیابی این آزادی و دموکراسی گمشده، یکبار در بهمن ۱۳۵۷ و بار دیگر در خرداد ۱۳۷۶، با شکست روبرو شد، زیرا هنوز آن صنف قدرت‌خواه آن زمان که اکنون بر قدرت نشسته، معنای این سخن مصدق را درک نکرده است. آنچه ابرقدرتهای انگلستان و آمریکا را در آن زمان مصمم‌کرد که دولت مردمی مصدق و جبهه ملی را سرنگون کنند، تنها جبران ملی شدن منابع نفت ایران یا انتفاع‌چیی نبود. زیرا با پیدائشدن منابع نفت در دیگر سرزمینهای منطقه و نیز آمادگی ایران برای همکاری و فروش نفت، مشکلی برای تامین انرژی وجود نداشت. خطر کمونیسم هم، به تائید مدارک رسمی افشاشده آن دو دولت، بعلت وجود یک دولت ملی‌گرا و قدرت‌گرفتن حزبهای ملی‌گرا در ایران مستنفی بود. ترس دولتهای محافظه‌کار انگلستان و آمریکا از الگوشدن مصدق و گسترش موج ملی‌گرایی و دموکراسی، و به خطر افتادن منافع آنها در سراسر جهان بود، که ملی‌شدن کانال سوئز توسط دولت ملی‌گرای جمال عبدالناصر در مصر آغاز آن تلقی می‌شد.

اثر مهم دیگر ملی‌شدن نفت در ایران و مبارزه مصدق در چارچوب قانونهای بین‌المللی، این بود که در قطعنامه ۱۹۵۴ سازمان ملل متحد «حق حاکمیت دائمی ملتها بر منابع طبیعی خود» و اینکه ملتها حق دارند به نحو مقتضی از این منابع بهره‌برداری کنند، گنجانده شد. این هدیه و خدمت یک ایران مردم‌سالار به همه ملتهای جهان بود.

هدف جنبش ملی‌شدن نفت به رهبری دکتر مصدق، هر چند که پیامدهای مثبت اقتصادی را برای ایران در بر داشت، برخلاف پندار برخی صاحب‌نظران کوتاه‌اندیش که بر آن تنها تحلیل اقتصادی قایل می‌شوند، اقتصادی نبود. هدف از آن مبارزه هوشمندانه و خردمندانه، بیدارکردن ملت ایران از خواب دویست ساله در برابر حکومتهای فردی فاسد و خودکامه، و رهایی از فقر ملی، و تحقیر جهانی، و برای ایجاد خودباوری دوباره و حاکمیت بر سرنوشت خویش بود. این هنر مصدق بود، و این هنر مصدق را جاودانه کرد.

اثرات جنبی جنبش ملی ایران، حتی در دوران بیست و پنج ساله حکومت کودتاچیان آشکار بود. پیمانهای همکاری‌های اقتصادی ایران با کشورهای خارجی دیگر مانند دوران قاجار، آن چنان تحمیلی نبود. کشورهای خارجی برای فعالیت در ایران بر سر میز مذاکره می‌نشستند، و اگر آزمندی مسئولان فاسد خودمان نمی‌بود، مذاکرات می‌توانست منافع ایران را بخوبی حفظ نماید. با وجود این، قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت با ایران غالبا ۷۵٪ سهم سود ایران و ۲۵٪ سهم سود خارجی بود، و در قراردادهای خدماتی سهم ایران ۹۰ و سهم خارجی فقط ۱۰ بود.

پس از انقلاب ۱۳۵۷، با بقدرت رسیدن یک حکومت خودکامه وابسته به یک صنف خاص، و نفی حاکمیت ملی و نادیده‌انگاشتن اصل مردم‌سالاری که مردم برای رسیدن به آن انقلاب کرده بودند، و ستیز و طرد کارشناسان و صاحبنظران توانا، همه قراردادهایی که بسود ایران بود عجولانه و با تعصبی نابخردانه لغو شدند. لغو قراردادها باعث پرداخت غرامت‌های سنگین به خارجی‌ها، که برخی از آنها چند برابر سود احتمالی آنها بود، شد و پیامدهای سیاسی منفی گسترده‌ای را برای ما به ارمغان آورد که تا به امروز گریبانگیر آن هستیم. موج بی اعتمادی نسبت به ایران در عرصه بین‌المللی و تداوم یک سیاست ستیزه‌جویانه نابخردانه و بی‌هدف، ما را به جایی رسانده که در قراردادهایی که اکنون مواجه با آن هستیم و با تحقیر و تحمیل به آنها تن در می‌دهیم. بهترینشان ۶۰ برای خارجی و ۴۰ برای ایران منظور شده است. این کمترین هزینه‌ایست که ملت ایران بخاطر فقدان یک حکومت مردم‌سالار، آگاه و توانمند در حال پرداخت است.

حکومت درون‌نگر و جهان‌ستیز کنونی ما را با دولت مردم‌سالار و جهان‌نگر مصدق مقایسه کنید که در لایحه ملی شدن نفت در سال ۱۳۳۰، هدف تامین «حقوق حقه ایران و حفظ صلح جهانی» ذکر شده است. از کجا به کجا آمده‌ایم!

جبهه ملی ایران ۲۸ مرداد ۱۳۸۲

ارگان مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دو هفته یکبار در روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

زیر نظر شورای سردبیری

سردبیر

فریدون احمدی

شورای سردبیری

داراب شکیب

محمود صالحی